

سبک تربیت

استاد محمد شجاعی، کارشناس، پژوهشگر و نویسنده مسائل دینی:

روی خودشناسی فرزندان کار نکنیم تمام رشته‌هایمان پنبه می‌شود

استاد محمد شجاعی کارشناس، پژوهشگر و نویسنده مسائل دینی معتقد است برای پایداری در دین و جلوگیری از ریزش‌ها، نیاز فرزندندان را صرفاً با ظواهر دین آشنا و پذیرفتن واجبات دین را برای آنها تکلیف و اجبار کرد، بلکه آنها باید خودشناسی را یاد بگیرند تا تربیت اسلامی را درک کنند و انسان کاملی شوند. او همچنین بر این باور است ما در گرایش به انسان کامل موفق بوده‌ایم و این را می‌توان در محرم و اربعین مشاهده کرد. اما زمانی که این‌ا‌یام تمام می‌شود می‌خواهیم همان انسان‌ها (ع) بی‌پرویی کنند می‌گویند نه فقط ما فقط او را دوست داریم این نشان از ضعف آموزش‌هاست و اینکه در خودشناسی انسان‌ها کار نشده است. وی دو چیز را مشکل اساسی در خانواده‌ها می‌داند؛ یکی تنبلی و دیگری بی‌حوصلگی، او توصیه می‌کند خانواده‌ها باید این دو رفتار را کنار بگذارند تا در تربیت اسلامی فرزندانشان موفق شوند. مصاحبه با این مبلغ بین‌المللی را در ادامه بخوانید.

استاد از وقت مصاحبه‌ای که در اختیار ما گذاشتید تشکر می‌کنم. در شروع مصاحبه تعریفی جامع از تربیت اسلامی داشته‌باشید؟

تربیت، یعنی پرورش و شکوفاکردن استعدادهای ذاتی یک موجود و تربیت اسلامی نگاه ویژه اسلام به انسان است که در هیچ دینی یافت نمی‌شود. انسان شامل بخش‌های مختلفی است. از جمله بخش جمالی یعنی گرایش به اشیای مختلفی مثل خانه، اتموبیل و غیره. بخش گیاهی مثل تربیت بدنی، رشد، تغذیه، زیبایی، بخش جنسی و حیوانی انسان مثل گرایش به جنس مخالف، تشکیل کانون خانواده، ارتباطات. بخش فرشته‌ای و عقلانی انسان مانند دانشگاه رفتن، مهندس شدن، اختراعات، اکتشافات، اما در اسلام بخش دیگری معرفی می‌شود به نام بخش فوق عقلی و انسانی که در این بخش انسان‌ها قابلیت تربیت نامحدود دارند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ان روح خودم در شما دمیدم». خاصیت این روح آن است که انسان قابلیت رشد و تربیت نامحدود پیدا می‌کند و چون روح از خدایت خود به خود بی‌نیاز می‌شود. در این بخش از تربیت، انسان عاشق کمال مطلق، یعنی وجود مطلق می‌شود که به عربی به آن «الله» گفته می‌شود و این الله با بخش‌های دیگر فرق می‌کند. در تربیت اسلامی، گزاره انسانی لا اله الا الله است، یعنی هیچ معشوقی برای انسان و هیچ غایتی برای انسان غیر از الله وجود ندارد. خداوند در قرآن ۸۰ بار تذکر می‌دهد انسان‌ها جاودانه هستند، بنابراین در تربیت اسلامی انسان‌ها باید جاودانه تربیت شوند.

با توجه به تعریفی که از تربیت اسلامی داشتید، وظیفه پدران و مادران در این زمینه چیست؟

پدرها و مادرها، مربیان و مراکز فرهنگی تکلیف شرعی‌شان این است که مخاطبان‌شان را ابدی و جاودانه تربیت کنند. جنایات‌ها، قتل‌ها و ظلم‌ها در دنیا نشان‌دهنده این است که بخش انسانی آدم‌ها تربیت نشده است. بنابراین در تربیت اسلامی با احترام به احترام با پدری بیشتر تربیتی، انسان را زیر سایه بخش پنجم تربیت کنیم. اگر به این بخش دقت نشود انسان حیوانی وحشی و جنایتکار خواهد شد که از دانش برای ساخت بمب و ویروس کشنده استفاده می‌کند.

تربیت اسلامی از چه سن شروع شود؟ در اسلام سن تربیت به قبل از انعقاد نطفه بر می‌گردد. پدر و مادرها باید در پنج‌پنجه‌ن‌های خود را تقویت کنند از جمله سلامت، زیبایی، هوش، عقل، اخلاق، معنویت و خودشناسی. این‌زن‌ها باید تقویت با احترام تا پایداری بیشتری داشته باشند. به قول دانشمندان بزرگ تربیت فرزند به ۲۰ سال قبل از تولدش بر می‌گردد، بنابراین این باور غلطی است که فکر کنیم فرزند باید متولد و بعد تربیت شود. بعد از تولد نیز به سه دوره تربیت هفت سال اول، هفت سال دوم و هفت سال سوم هم باید توجه شود.

به سه دوره تربیتی اشاره کردید، اینجا لازم است به نگرانی خانواده‌ها اشاره کنیم که طبق فرموده شما از شروع وقت سال دوم زمانی که فرزندان شما می‌خواهد راهی اولین نهاد اجتماعی یعنی مدرسه شود. در سؤال قبلی برای پایداری این نوع از تربیت اشاره‌ای داشتید، اما توصیه بیشتر برای اینکه فرزندان تحت تأثیر آموزه‌های غلط در مدارس قرار نگیرند چیست؟

اگر پدر و مادری وظیفه خود را درست انجام دهد، یعنی در آن سه دوره هفت سال رفتار مناسبی داشته باشد قطعاً با آسیب‌پذیری کمتری مواجه خواهند شد و اگر تخصصی و درست عمل کنند فرزندان در هر جای دنیا و در هر مکانی قرار بگیرد نتیجه درست می‌گیرند. مانند قانون علیت و معلول، هر جا تربیت درست باشد نتیجه درست گرفته می‌شود. به همین دلیل حتی در کشورهای غیراسلامی در صورت تربیت درست و پایدار شاهد آدم‌هایی کامل و خدایی هستیم.

بیشتر والدین برای راهی از این دغدغه، مدارس اسلامی را انتخاب می‌کنند، و چه تمایز این مدارس با دیگر مدارس چیست؟ در آموزش و پرورش، مسئله اصلی تعریفی است که از انسان وجود دارد و این برای معلمان درست‌جانیتانده است. در مدارس اسلامی و دولتی کتاب‌ها یکی است و خلاف آن کتب تدریس نمی‌شود. تنها اختلاف روی تعریف مهندسی شده از انسان است.



بصیرت و خودشناسی را به فرزندانمان و دیگر مخاطبانمان آموزش دهیم که متأسفانه در این زمینه بسیار ضعیف کار می‌شود.

ما فرزندانمان را تنها با ظواهر دین آشنا می‌کنیم به همین دلیل پایدار نمی‌مانند و هر چه را ارشته‌ایم پنبه می‌شود. اگر خودشناسی را یاد بگیرند آن وقت با عشقی که به خودشان پیدا می‌کنند، تربیت اسلامی هم درک می‌شود. پس انسان اگر بخواهد هر چیزی را بشناسد باید خودش را بشناسد این در تربیت اسلامی ماضوری است. گستره شخصیتی انسان‌ها

شامل سه مرحله است؛ از کجا آمده در کجا هست و به کجا می‌رود. فرزندان ما باید این سه مرحله را باور کنند. نگاه عشق ایجاد شده پایدار می‌ماند به همین دلیل وقتی در دانشگاه، سبازی یا در بخش‌های مختلف اجتماع قرار می‌گیرند در او تغییری رخ نمی‌دهد. در کشورهای مختلف وقتی معرفت نفس آموزش داده می‌شود، افراد هم مسلمان می‌شوند، هم شیعه و مهم‌تر آنکه بر آن پایدار می‌مانند. به طور مثال در ایام کرونا نتوانستیم در مهار آن موفق شویم، چرا که فقیرترین و بی‌سوادترین افراد را با ایجاد مراکز بهداشتی آموزش دادیم. همچنین برای شروع یک زندگی مشترک، زوجین را به کلاس‌هایی معرفی می‌کنیم تا زندگی موفق داشته باشند، بنابراین برای یک تربیت اسلامی موفق، لازم است خانواده‌ها را به کسب دانش آن مسلح کنیم. به فرموده حضرت اقا برای رسیدن به یک تمدن نوین اسلامی، باید تربیت اسلامی در آموزش و پرورش و حوزه‌های علمیه بومی شود.

ایامی مثل محرم و ماه رمضان مساجد و هیئت‌ها مکانی برای حضور پررنگ کودکان، نوجوانان و جوانان است. برای جذب حداکثری و تربیت درست دینی این دسته از مخاطبان چه کاری باید انجام شود تا همسوزی کار تربیتی خانواده‌ها، تربیت اسلامی درست نهاده‌ینه شود؟

قرآن می‌گوید دین اسلام دین فطری است. مساجد و حسینیه‌ها باید در شکوفایی این فطرت کار کنند. بچه‌ها باید از کودکی با اصل خودشان آشنا شوند. چه بسیار کودکانی که شعر مذهبی یاد گرفتند و نماز را آموزش دیدند، اما امروز در مراکز مشاوره شاهدیم بسیاری از والدین آنها گله دارند فرزندان‌شان در اغتشاشات و دیگر امتحانات ناپود شده‌اند، بنابراین آموزش نماز، اصول دین و حفظ قرآن اگر بدون خودشناسی باشد، همه‌ظاهر است. همان‌هایی که این دوره‌ها را گذرانده‌اند دچار لغزش می‌شوند

چون زیرساخت‌های تربیتی مساجد، مهدها و مراکز فرهنگی مهندسی شده و قرآنی نیست و مخاطبان تا خودشان را نشناسند

چون زیرساخت‌های تربیتی مساجد، مهدها و مراکز فرهنگی مهندسی شده و قرآنی نیست و مخاطبان تا خودشان را نشناسند

باید گفت اتفاق بدی در حال رقم خوردن است، وقتی سند ۲۰۲۰ تأیید و در مدارس هنوز قوانین آن اجرا می‌شود و در بعضی فرقه‌های نمایشگاه کتاب هنوز کتاب‌های این سند توزیع می‌شود چه انتظاری می‌توان داشت تربیت اسلامی شکل بگیرد خانواده‌ها نباید معطل بمانند و آتش به اختیار با مؤسسات و مراکز قابل اعتماد آشنا و با ثبت‌نام در آن کلاس‌ها آموزش‌های لازم را ببینند و در آخر دو چیز مشکل اساسی در خانواده‌هاست؛ تنبلی بی‌حوصلگی. توصیه می‌شود برای یادگیری و وظایفمان تنبلی را کنار بگذاریم و برای تربیت فرزندانمان حوصله کنیم. مشغله‌های دولتی، اجتماعی، اقتصادی و غیره خانواده‌ها را از این وظیفه مهم دور کرده است و این یک هشدار است.

سبک رفتار

شکوه و گلايه مداوم آرامش شما را سلب می‌کند

غر زدن یک هنر است



غر زدن و گله کردن واکنش ذهن در برابر اتفاقی است که مورد قبول شما نیست. در واقع ذهن این قابلیت را دارد که در برابر آنچه مطولاً با انتظارش نیست، گله‌مند شده و از آن شکایت کند. ذهن معمولاً در یک رابطه خصمانه با لحظه حال درگیر است و به ندرت با آن سرسازگاری دارد. بنابراین شکایت تقریباً عادت همیشگی ذهن انسان است و مغز ما معمولاً دوست ندارد در سکون و آرامش باشد یا به حقیقت هستی واقف شود و دست از لجبازی بردارد. در اینجا پنج نکته وجود دارد که چگونه این حس لجبازی و غرزدن را در وجود خود کاهش داده و در نتیجه آرامش و مثبت‌اندیشی بیشتری را به زندگی خود جذب کنیم. غر زدن یک هنر و مهارت است که نیاز به یادگیری دارد.

زندگی جریان آرام است

زندگی شما در اصل یک حرکت دائمی به سمت رفا، فراوانی و بهبود است، اما ذهن نمی‌تواند بپذیرد که زندگی همیشه در بی آرامش است و فقط در جهت رفتار حرکت می‌کند. به اطراف خود نگاه کنید؛ خورشید می‌درخشد، زمین در حال گردش به دور خود است، عرضه مواد غذایی حتی با وجود افزایش جمعیت ادامه دارد، فناوری‌ها در حال پیشرفت هستند و هدف‌شان تسهیل مشکلات است و سرگرمی‌ها هر روز بیشتر می‌شود. اکنون بیش از هر زمان دیگری تعادل طبیعی در زندگی وجود دارد و هیچ چیز نمی‌تواند این تعادل را تغییر دهد. تعداد بسیار کمی از ذهن‌ها در حالت بیداری خود قادر به قدردانی واقعی از معجزات هستی هستند. ذهن معمولاً سعی می‌کند به دنبال چیزی باشد که کار نمی‌کند، در حالی که بسیاری از چیزهایی را که به زیبایی کار می‌کنند، نادیده می‌گیرد. برای اینکه ذهن‌تان غر نزنند، کافی است به گسترده‌گی و فراوانی در طبیعت نگاه کنید.

غر نزنید، فقط ترجیح بدهید

ذهن فکر می‌کند باید شکایت کند تا اوضاع درست شود، اما این رویکرد در حقیقت برعکس عمل می‌کند و باید راه دیگری یافت. انرژی شکایت ذاتاً منفی است. از این رو فقط می‌تواند نتایج منفی ایجاد کند. از غر زدن و گله کردن نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. این یک دلیل بسیار خوب برای دست کشیدن از شکایت و روی آوردن به قدردانی است. به جای شکایت از چیزها، بدون تلاش برای محکوم کردن زمان حال، نگرش «ترجیح دادن» یا از روی چیزهای بهتر را جایگزین کنید. وقتی به چیزی که دوست ندارید نگاه می‌کنید، به جای شکایت از آن فقط به این فکر کنید که دوست دارید همه چیز چگونه باشد و بعد شکایت را رها کنید. تمایلی که از شما سرچشمه می‌گیرد به طور خودکار در جریان سریع زندگی جذب می‌شود و اوضاع به گونه‌ای پیش می‌رود که مطابق با اولویت شما باشد. «ترجیح دادن» کاری است که ذهن باید انجام دهد، بنابراین جایی برای شکایت نیست، بلکه برای ترجیح دادن و کمک به گسترش جریان زندگی است.

تمرکز روی «اشتباهات» را رها کنید

شما مجبور نیستید با شکایت از اشتباه بودن چیزها، حقانیت خود را اثبات کنید. این عادت نه تنها برای اطرافیان‌تان آزاردهنده است، بلکه انرژی شما را تلف کرده و باعث ایجاد احساسات منفی در شما می‌شود. گاهی آنچه برای شما واقعاً «بد» به نظر می‌رسد، ممکن است در واقع همان چیزی باشد که شخص دیگری می‌تواند دوست داشته باشد. اگر عادت تمرکز کردن روی «اشتباهات» را رها کنید، به موفقیت بزرگی دست یافته‌اید.

ذهن فکر می‌کند باید شکایت کند تا اوضاع درست شود، اما این رویکرد در حقیقت برعکس عمل می‌کند و باید راه دیگری یافت.

انرژی شکایت ذاتاً منفی است. از این رو فقط می‌تواند نتایج منفی ایجاد کند. از غر زدن و گله کردن نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. این یک دلیل بسیار خوب برای دست کشیدن از شکایت و روی آوردن به قدردانی است

درک کنید انرژی شما مثبت است

دلیل اینکه «شکایت کردن» احساس بدی به وجود شما می‌دهد از کمبود، ناتوانی و ترس نشئت می‌گیرد. این در حالی است که وجود شما باار تعاش آرامش، عشق و شادی عجين است. وقتی شکایت می‌کنید، همیشه احساس بدی خواهید داشت، زیرا این وضعیت با «طبیعت واقعی» شما در تضاد است. یک انگیزه عالی برای دست کشیدن از شکایت این است که بدانید هر بار که غر می‌زنید در حال مبارزه با زندگی هستید، یعنی علیه کسی می‌شوید که واقعاً هستید.

هوشیار باشید تا اسیر ذهن نشوید

شما این قدرت را دارید که از ذهن خود بیروی نکرده و از سوی فراقشکی‌ها و تفسیرهای ذهنی منحرف نشوید. ذهن ذاتاً مستعد قرار گرفتن در حالت «واکنش» است. اگر هوشیار نباشید با اشتباهات ذهن، از مسیر درست منحرف می‌شوید. وقتی هوشیار هستید، ذهن نمی‌تواند در چنگال افکارش گیر افتاده و بر شما غلبه کند و از این رو در خلسه شکایت قرار می‌گیرد.

با طبیعت واقعی خود زندگی کنید

اگر فقط درگیر ادراکات و نتیجه‌گیری‌های محدود ذهن خود نباشید، زندگی را می‌توان در حالتی از لطف و برکت زیست کرد. ذهن را خیلی جدی نگیرید. زندگی خود را از زندگی مراقبت می‌کنید، پس مطمئن باشید که به خوبی از سلامت شما نیز مراقبت می‌شود. تنها کاری که باید انجام دهید، این است که وقتی ذهن‌تان یک برداشت منفی را نشان می‌دهد، باور نکنید. از شکایت دست بردارید و با طبیعت واقعی خود زندگی کنید.

